آمادگی دفاعی از منظر فطرت و دین

برگی درس‌آموز از تاریخ اسلام

بخش دوم و پایانی

احمدرضا دردشتی

در نخستین بخش از مقاله حاضر، مقوله دفاع از دیدگاه فطرت انسانی و آموزه‌های دینی و در دو سطح فردی - اجتماعی و بین‌المللی بررسی شد. اینک ادامه مطلب را پی می‌گیریم.

***

در دوران پیامبر اکرم و نزول قرآن کریم به سبب شخصیت ممتاز و برجسته پیامبر و استمرار نزول وحی، جامعه اسلامی هویتی یکپارچه و متحد دارد و مخالفت‌های جدی، تفرقه و تشتت در صفوف مسلمانان به ندرت مشاهده می‌شود. در این دوران خطوط ترسیم شده از سوی قرآن کریم و فرمان‌های پیامبر، حجت قاطعی برای همه مسلمانان و پایان بخش همه اختلافات میان‌فردی و اجتماعی است؛ معمولاً همه مسلمانان در لزوم دفاع از کیان جامعه نوپای اسلامی و حضور در جبهه‌های جنگ و حفظ آمادگی نظامی معطوف به دفاع، اتفاق نظر دارند و مخالفت‌های اندکی که در گوشه و کنار ایراد می‌شود با واکنش‌های اجتماعی مردمی، بی‌اثر شده و از میان می‌رود. اما دوران حکومت امام علی (ع) شرایط جامعه اسلامی و فرهنگ عمومی وضعیت دیگری دارد. در زمان پیامبر (دوران نزول وحی) شناخت دشمن و تحرکات خصمانه آن کار دشواری نیست؛ همه می‌دانند که دشمن شماره یک مسلمانان، مشرکان هستند و ازاین‌رو فعالیت‌ها و اقدامات آنان زیر ذره‌بین بصیرت پیامبر و مسلمانان است. در این دوران، منافقان، به سبب عوامل مختلف و فقدان زمینه مناسب، اقدام تأثیرگذاری ندارند و همه حرکت‌ها و فعالیت‌های آنها ناکام و سرکوب می‌شود. اما در دوران امام علی (ع) (دوران تأویل قرآن) نه شخصیت اجتماعی و دینی امام، هم‌طراز پیامبر است و نه مردم زمانه او، همانند مردم زمانه پیامبر از رشد بصیرت و آگاهی، یکپارچگی و خلوص‌نیت برخوردارند. امام علی(ع) با مردمی روبه‌رو است که آرام‌آرام در طول ۲۵ سال، از لحاظ فکری، ارزشی، رفتاری و به یک سخن، از لحاظ سبک زندگی، تغییرهای زیادی کرده و به دوران جاهلیت و ارزش‌های جاهلی بازگشته‌اند. رفاه‌طلبی، تن‌آسایی در آنها رشد کرده و معیارهای اسلامی و اخلاقی آنان دگرگون شده است. بزرگان و خواص جامعه اسلامی، که روزگاری در کنار پیامبر، مجاهدت‌های بسیاری از خود نشان می‌دادند، در اثر تغییر فضای سیاسی، اجتماعی، تربیت تازه‌ای یافته بودند. تعصبات و تعلقات قبیله‌ای و جناحی، بازگشت به افکار و ارزش‌های دوران جاهلیت، خوکردن به رفاه و تنعم‌های فراهم‌آمده در سایه غنائم انبوه جنگ‌های خلفا، روحیه مبارزه با باطل و تحمل سختی در دفاع از حکومت دینی علوی و ارزش‌های اسلامی و منافع جمعی آنان را تضعیف و بسیار کمرنگ کرده بود.

*** جنگ نرم، غالبا مقدمه جنگ سخت است. دشمن در جنگ نرم از راهبردهای گوناگون و شیوه‌های مختلفی بهره می‌جوید. یکی از مهمترین راهبردها، تغییر نگرش مردم، بویژه خواص، نسبت به دشمن و تضعیف باور به لزوم آمادگی دفاعی در یک ملت در برابر دشمنی‌های احتمالی است.**

تاکید امام علی (ع) بر آمادگی‌های دفاعی

امام علی (ع) آن هنگام که از او می‌خواهند تا خلافت را بپذیرد به خود این واقعیت تلخ و گزنده اشاره می‌کند و اوضاع و شرائط زمانه را برای خلافت خود نامناسب توصیف می‌کند:« مرا واگذارید و دیگری را بجوئید؛ چرا که به استقبال حوادثی می‌رویم که رنگارنگ و فتنه‌آمیز است و چهره‌های گوناگون دارد و (به سبب آن)، دل‌ها بر این بیعت ثابت و عقل‌ها بر این پیمان استوار نمی‌ماند. چهره افق حقیقت را (در دوران خلافت سه خلیفه) ابرهای تیره فتنه پوشانده و راه مستقیم حق، ناشناخته مانده است. آگاه باشید! اگر دعوت شما را بپذیرم، براساس آنچه که می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این و آن و سرزنش سرزنشگران گوش نمی‌دهم؛ اگر مرا رها کنید چون یکی از شما خواهم بود؛ که شاید شنواتر، و مطیع‌تر از شما نسبت به رئیس حکومت باشم؛ (با این وصف) اگر وزیر و مشاورتان باشم، بهتر است از اینکه امیر و رهبر شما باشم!»(۱) از سوی دیگر در دوران ۲۵ ساله خلافت خلفای سه‌گانه، منافقان، آرام‌آرام در همه ارکان سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه اسلامی نفوذ کرده و زمام قدرت را به دست گرفته‌اند. در این دوران، خبری از مشرکان قریش نیست تا دشمنی آشکار آنان جای هرگونه سوءتفاهم را از میان بردارد؛ امام با دشمنانی رو به رو است که ظاهراً مسلمانند، خدمات زیادی در راه اسلام انجام داده و خیرخواه جامعه اسلامی به شمار می‌روند. ازاین‌رو ضرورت دفاع از جامعه اسلامی و حکومت برآمده از آن، در برابر دشمنی‌های پیدا و پنهان منافقان و در رأس آنان معاویه و بنی‌امیه، برای همه روشن نیست. راهبردها، شیوه‌ها و برنامه‌های دشمنان اسلام، مزورانه و پیچیده شده و قدرت تشخیص و تحلیل مردم از مسائل سیاسی و اجتماعی کاهش یافته است. یکی از شیوه‌های مؤثری که معاویه در جنگ با امام علی در پیش گرفت، فرسایشی‌کردن جنگ بود. معاویه پس از جنگ صفین، در جبهه نظامی به جنگ‌های ایذایی روی آورد و در جبهه روانی با تمام توان بر علیه امام به تبلیغ پرداخت. از ابتدای خلافت امام علی، معاویه با طرح خونخواهی عثمان، امام را به قتل او متهم می‌کرد و مشروعیت حکومت او را مورد تردید قرار می‌داد. با ساختن و پرداختن احادیث جعلی و شایعات گسترده، حتی دیانت امام را انکار می‌کرد؛ چه رسد صلاحیت و خیرخواهی او برای مسلمانان را! این وضعیت دردناک به‌گونه‌ای جریان داشت که بسیاری، بلکه همه اهل شام، امام علی را مسلمان و اهل نماز نمی‌دانستند. ایجاد تردید در خیرخواهی امام و تبلیغ ناکارآمدی حکومت او در حل مشکلات مردم تا آنجا جدی بود که امام (ع) در خطبه ۲۷ نهج البلاغه از بی‌اعتنایی و بی‌اعتمادی مردم کوفه به راهبردها و طرح‌های سیاسی و نظامی خود انتقاد کرده و می‌فرماید: «مرگ بر شما باد! که دلم را مالامال خون و سینه‌ام را از خشم آکنده ساخته و جام زندگی ام را از شرنگ غم لبریز کردید و با نافرمانی‌های خود اندیشه‌ام را تباه ساختید. تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابو طالب، مردی دلیر است ولی از آئین لشکرکشی و فنون نبرد آگاه نیست! خدا پدرشان را بیامرزد! آیا در میان رزم‌آوران، رزم‌دیده‌تر از من می‌شناسند؟! یا کسی را که پیش از من قدم به میدان جنگ نهاده باشد سراغ دارند؟! ... ولی جز این نیست که هرکه را فرمانش نبرند، طرح و نقشه‌ای نخواهد داشت!»[۱]

***حکمت سخنان صریح، محکم و مکرر رهبر معظم انقلاب درباره نفوذ دشمن و ضرورت حفظ روحیه جهاد و مقاومت ملی و بالا بردن توان دفاعی کشور، خصوصاً توان موشکی را باید در تغییر راهبردهای دشمن در عرصه جنگ نرم جست‌وجو کرد.**

با این وصف دیگر لزوم مبارزه، آمادگی دفاعی و ورود در نبرد با دشمن برای چنان مردمی مفهوم خود را از دست می‌دهد. اگر به خطبه‌ها و نامه‌های امام در نهج‌البلاغه توجه کنیم با حجم عظیمی از سخنانی مواجه می‌شویم که ضرورت مبارزه و جهاد دفاعی بر علیه اصحاب جمل و صفین را به مردم گوشزد می‌کند. بخش زیادی از سخنان امام در نهج‌البلاغه به تبیین ضرورت، اهمیت و اقدامات لازم برای دفاع از حکومت اسلامی و مصالح جامعه اسلامی اختصاص دارد. این مسئله از چیزی جز تغییرنگرش خواص و به تبع آنها عامه مردم نسبت به ضرورت مبارزه با معاویه و دفاع از نظام اسلامی خود، از چیز دیگری حکایت نمی‌کند.

شباهت شرایط کنونی با دوران امام علی(ع)

شرایط کنونی جامعه اسلامی ایران بی‌شباهت به دوران امام علی نیست. دگرگونی مناسبات و شرایط نظامی و فرهنگی و اقتصادی جهان موجب شده است تا راهبردهای دشمنان ملت ایران، ماهیتی بسیار پیچیده، متنوع و ظریف به خود بگیرد. امروزه شناخت دشمن و مجموعه اقدامات خصمانه آن، به آسانی گذشته نیست. هنگام بروز جنگ فیزیکی، هیچ کس در ضرورت دفاع تردید نمی‌کند، اما وقتی دشمن از شیوه‌های نرم و مزورانه استفاده می‌کند، شناخت زمینه‌ها، راهبردها، شیوه‌ها، ابزارها و اهداف دشمن با سهولت میسر نیست. جنگ نرم، غالبا مقدمه جنگ سخت است. دشمن در جنگ نرم از راهبردهای گوناگون و شیوه‌های مختلفی بهره می‌جوید. یکی از مهم‌ترین راهبردها، تغییر نگرش مردم، به‌ویژه خواص، نسبت به دشمن و تضعیف باور به لزوم آمادگی دفاعی در یک ملت در برابر دشمنی‌های احتمالی است. وقتی جامعه‌ای، بویژه رهبران، سیاستمداران، نظریه‌پردازان و روشنفکران جامعه، باور کنند و این باور را به مردم سرایت دهند که دشمنی وجود ندارد و قدرت‌های بیرونی در صدد نفوذ و نابودی ما نیستند، چه رسد اینکه آنها را دوست و خیرخواه خود تلقی کنند، آرام آرام باور به لزوم آمادگی دفاعی (از لحاظ روانی و رفتاری) تضعیف می‌شود و تلاش جدی برای فراهم آوردن امکانات و توانمندی‌های لازم فرهنگی، سیاسی و نظامی انجام نمی‌گیرد.

در چنین شرایطی مسئولان کشور ممکن است در نقش نفوذیان ناآگاه دشمن به تخریب زیرساخت‌های فکری جامعه و تضعیف بنیه دفاعی کشور در سطح نرم و سخت، بپردازند و روحیه تجاوزپذیری و بی‌اعتنایی به مصالح و منافع ملی را در میان جامعه پدیدآورده و بپرورند.

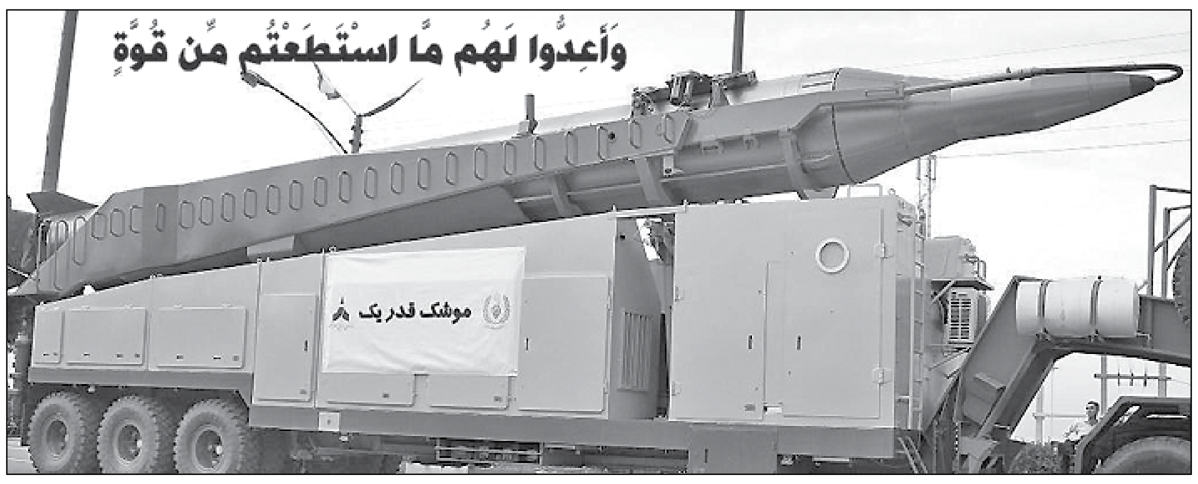

امروز جمهوری اسلامی ایران در شرایط حساس و مهمی به سر می‌برد. پیروزی‌های چشمگیر سیاسی و فرهنگی در عرصه بین‌الملل و ارتقاء بنیه دفاعی کشور از یک‌سو و شکست همه جانبهٔ آمریکا و دیگر متحدان قدرت طلب استکباری آن در رسیدن به اهداف خود با تجاوز نظامی به کشورهای مسلمان، زمینه تجاوز نظامی به کشورمان را تا حد زیادی کاهش داده است. در حال حاضر حمله نظامی به ایران هیچ چشم‌انداز روشنی را برای دشمنان ترسیم نمی‌کند و ازاین‌رو دشمن در دوران پسابرجام، استراتژی دیگری را دنبال می‌کند. خطرناک‌ترین شیوه‌ای که در استراتژی دشمن وجود دارد، تضعیف قدرت دفاعی و بازدارنده کشور است. این استراتژی در سطح بین‌المللی و سیاسی با فشار تحریم و از مجرای شورای امنیت و دیگر سازمان‌های جهانی و در داخل کشور با ترویج و تبلیغ این ایده است که مذاکره و گفتگو با قدرت‌های بزرگ استکباری، تنها راه‌حل همه مشکلات کشور است و دولت آمریکا و دیگر کشورهای غربی، دولت‌هایی صلح‌طلب، خیرخواه و اهل مذاکره‌اند؛ و اگر چنین نیستند، دست کم اهل بده بستان و تعامل دیپلماتیک هستند و بنابر این ارتقای بنیان‌های دفاعی و دنبال کردن تحقیقات نظامی با هدف به روز کردن آمادگی دفاعی، خصوصا بنیه دفاع موشکی، برنامه‌ای هزینه‌بر و بی‌ثمر است و نباید با آزمایش‌های موشکی و بالا بردن فناوری نظامی در این عرصه، به دست جامعه جهانی بهانه داد و زمینه تعامل مثبت با جهان را از بین برد! این فکر خطرناک اگر در میان مسئولان، مدیران و سیاستگذاران کشور رشد کند و آرام‌آرام به نگرشی همگانی در میان جامعه تبدیل شود، بهترین زمینه را برای نفوذ دشمن و ایجاد روحیه سهل‌انگاری، عافیت‌طلبی و تجاوزپذیری فراهم می‌کند. برای همه کسانی که مسائل جهانی را رصد می‌کنند روشن است که راهبرد نظامی غرب در مواجهه با کشورهایی که قصد تجاوز و تهاجم به آن را دارد، از میان‌بردن توان دفاعی آن کشور، تضعیف روحیه دلاوری و غیرت ملی، از بین بردن پشتوانه مردمی نظام مستقر، پدیدآوردن روحیه ذلت‌پذیری و مرگ‌هراسی و رفاه‌طلبی و ایجاد خوشبینی به دشمن در میان اقشار مردم، خصوصا مدیران آن کشور است.

***متأسفانه برخی از سیاستمداران کشور، جاهلانه یا عامدانه، در شبکه فریبکاری دشمن گرفتار شده و به سبب روحیه عافیت‌طلبی و رفاه‌زدگی، ضعف بنیان‌های فکری و از دست‌دادن روحیه انقلابی، خط راهبردی دشمن در تغییر نگرش جامعه نسبت به ضرورت هوشیاری و آمادگی در برابر شیوه‌های نرم و سخت دشمن را دنبال می‌کنند.**

هشدار به سیاستمداران و سیاستگذاران کشور

تجربه‌های مکرر ما در حوزه مسائل بین‌المللی نشان می‌دهد که آمریکا و متحدانش هرگز وارد جنگی که از آن پیروز بیرون نیایند، نمی‌شوند و اگر می‌بینیم که در رسیدن به اهداف خود در جنگ و اشغال کشورها ناکام می‌شوند، به سبب محاسبات غلط و اطلاعات ناکافی از همه عوامل مؤثر در مسائل کشورهاست. دشمن، امروز به خط تبلیغی خود در نفوذ به افکار، باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های ملت ایران، خصوصا سیاستگذاران کشور، دل بسته است و وظیفه ما در هوشیاری و آمادگی مادی و معنوی نسبت به محافظت از امنیت، استقلال و منافع و مصالح کشور عزیزمان ایران سنگین و سرنوشت‌ساز است.

حکمت سخنان صریح، محکم و مکرر رهبر معظم انقلاب درباره نفوذ دشمن و ضرورت حفظ روحیه جهاد و مقاومت ملی و بالا بردن توان دفاعی کشور، خصوصاً توان موشکی را باید در تغییر راهبردهای دشمن در عرصه جنگ نرم جستجو کرد. کسانی که غافلانه گمان می‌کنند دشمنی‌های آمریکا و متحدانش از میان رفته یا کاهش یافته است، باید یکبار دیگر تاریخ پرفراز و نشیب استعمار در چندقرن اخیر را مرور کنند. لااقل حوادث تکان‌دهنده تاریخی در ۳۰۰ سال اخیر به روشنی نشان می‌دهد که کشورهای غربی و در رأس آنها انگلستان و از قرن بیستم به این سو، ایالات متحده آمریکا، قرن‌های متمادی با اشغال آشکار یا نفوذ در ساختار سیاسی بسیاری از کشورهایی آفریقایی، آسیایی و آمریکای مرکزی، به چپاول ثروت‌های مادی و معنوی آنها پرداخته‌اند و این پدیده شوم و پلید همچنان به شیوه‌های گوناگون ادامه دارد. بررسی و تحلیل مجموعه اقدامات نظامی، اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی آمریکا و دیگر کشورهای قدرت‌طلب در ۷۰ سال اخیر، خصوصا در ارتباط با کشور عزیزمان ایران، جای هیچ شک و تردیدی را باقی نمی‌گذارد که کشورهای اسلامی و بویژه جمهوری اسلامی ایران، همواره در معرض بدخواهی، تجاوزگری و خصومت طمعکارانه آنها قرار دارند و ملت آگاه ایران و مدیران دلسوز و با بصیرت کشور، حتی برای لحظه‌ای نباید از نقشه‌ها و نیرنگ‌های دشمن غافل بمانند.

متأسفانه برخی از سیاستمداران کشور، جاهلانه یا عامدانه، در شبکه فریبکاری دشمن گرفتار شده و به سبب روحیه عافیت‌طلبی و رفاه‌زدگی، ضعف بنیان‌های فکری و از دست‌دادن روحیه انقلابی، خط راهبردی دشمن در تغییر نگرش جامعه نسبت به ضرورت هوشیاری و آمادگی در برابر شیوه‌های نرم و سخت دشمن را دنبال می‌کنند. جمهوری اسلامی ایران براساس آرمان‌های اسلامی و مبانی اصیل قرآنی، همواره صلح‌طلبی، خیرخواهی، ظلم‌ستیزی و تعامل مسالمت‌آمیز و مبتنی بر احترام متقابل و عدالت را با همه دولت‌ها (جز اسرائیل غاصب و دولت مخاصم آمریکا) و ملت‌ها، به عنوان دکترین سیاسی و فرهنگی خود دنبال کرده است؛ اما هرگز برای لحظه‌ای هم از بیداری و هوشیاری در برابر توطئه‌های آشکار و پنهان آمریکا و متحدان غربی آن کوتاه نیامده و نخواهد آمد. مسئولان و مدیران کشور، خصوصاً در قوه مجریه و مجلس شورای اسلامی، باید به شرایط حساس کنونی و نقش خطیر و سرنوشت‌ساز خود در حراست از منافع و مصالح ملت بزرگ ایران واقف باشند و تکلیف تاریخی خود را در دفاع همه جانبه از حیات، هویت و عزت ملت و کشور به خوبی ایفا کنند. بدیهی است که فرصت پست‌های سیاسی به سرعت خواهد گذشت و آنچه در تاریخ می‌ماند، کارنامه خادمانه یا خائنانه‌ای است که فرزندان این مرز و بوم در کتاب‌های تاریخی و حافظهٔ خود مرور خواهند کرد!

*** اگر به خطبه‌ها و نامه‌های امام در نهج‌البلاغه توجه کنیم با حجم عظیمی از سخنانی مواجه می‌شویم که ضرورت مبارزه و جهاد دفاعی بر علیه اصحاب جمل و صفین را به مردم گوشزد می‌کند. بخش زیادی از سخنان امام در نهج‌البلاغه به تبیین ضرورت، اهمیت و اقدامات لازم برای دفاع از حکومت اسلامی و مصالح جامعه اسلامی اختصاص دارد.**

۱- نهج البلاغه: خطبه ۹۱.

چراغ راه

لزوم مفید بودن مؤمنین برای یکدیگر

قال‌الامام الصادق(ع): «المؤمنون خدم بعضهم لبعض. قلت: و کیف یکونون خدماً بعضهم لبعض. قال: یفید بعضهم بعضاً».

امام صادق(ع) فرمود: مؤمنان خدمتگزار یکدیگرند. راوی حدیث می‌گوید: پرسیدم: چگونه خدمتگزار یکدیگرند؟ فرمود: آنان برای یکدیگر مفید واقع می‌شوند.[۱]

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۶۷

حکایت خوبان

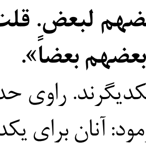

آثار مبارزه با نفس

رسول خدا(ص) فرمود: «خداوند عز و جل می‌فرماید: سوگند به عزت و جلالم... که هیچ بنده‌ای دلخواه (خواسته) مرا بر دلخواه (خواسته) خودش ترجیح ندهد مگر اینکه فرشتگانم را به نگهبانی از او بگمارم و آسمان‌ها و زمین‌ها را ضامن روزی او گردانم و در پس تجارت هر تاجری به فکر او باشم و دنیا به‌رغم میل خود (ذلیلانه) به او رو آورد.[۱]

در این رابطه امام علی(ع) می‌فرماید: به راستی که این نفس همواره به بدی فرمان می‌دهد. بنابراین هر کس عنان آن را رها کند (همچون مرکبی سرکش) او را به تاخت به سوی گناهان می‌برد.[۲]

همچنین امام کاظم(ع) در این زمینه می‌فرماید: هرگاه دو کار برایت پیش آمد که ندانستی کدام‌یک بهتر و درست‌تر است، بنگر که کدام یک از آنها به هوس (و دلخواه) تو نزدیک‌تر است. با همان مخالفت کن، زیرا در مخالفت کردن با هوای نفست ثواب بسیار نهفته است.[۳]

۱- میزان الحکمه، ج ۱۴، ح ۲۱۵۳۵
۲- همان، ج ۱۳، ح ۲۰۴۶۷
۳- همان، ج ۱۴، ح ۲۱۴۶۵

پرسش و پاسخ

شرافت ذاتی زمان

پرسش:
آیا زمان هم می‌تواند در عالم هستی شرافت ذاتی داشته و در بعد مادی و معنوی روی انسان تأثیرگذار باشد؟
پاسخ:

قرآن برای زمان، سهم مهمی قائل است. بعضی زمان‌ها را نحس می‌داند. «فی یوم نحس مستمر» «ما بر آنها تندبادی سرد در روزی که نحوستش مستمر بود فرستادیم» (قمر ـ ۱۹) یا «أیام نحسات» «روزهایی شوم و پرغبار» (فصلت ـ ۱۶) در مقابل، بعضی زمان‌ها را مبارک می‌داند. «فی لیلة مبارکة» «در شبی پر برکت» (دخان ـ ۳) یا «واذکروالله فی ایام معدودات» خدا را در روزهای معینی (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی‌الحجه که به ایام تشریق معروف است) یاد کنید. (بقره ـ ۲۰۳) یا «بالأسحار هم یستغفرون» (ذاریات ـ ۱۸۷) سحرها استغفار می‌کنند. قرآن از کسانی که در سحرها استغفار می‌کنند، ستایش کرده است. «والمستغفرین بالاسحار» (آل‌عمران ـ ۱۷) یا همین که زکریا(ع)، در محراب عبادت بر مریم(ع) وارد شد و نزد او خوراکی (شگفت‌آور) یافت، پرسید: ای مریم! این رزق از کجاست؟ مریم(ع) در پاسخ گفت: آن از نزد خداست که به هر که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد. در تفاسیر می‌خوانیم؛ مادر مریم با همسر زکریا، خواهر بود و هر دو عقیم و نازا بودند.

مادر مریم با دیدن صحنه غذا دادن پرنده به جوجه‌هایش، منقلب شد و به درگاه خدا دعا کرد. خدا به او مریم(ع) داد.

حضرت زکریا(ع) هم وقتی مقام مریم را در محراب دید، منقلب شد و از خدا تقاضای فرزند کرد: «هنالک دعا ذکریا» «در آنجا بود که زکریا، (با مشاهده آن همه شایستگی در مریم) پروردگار خویش را خواند» (آل عمران ـ ۳) مشاهده کمالات دیگران، می‌تواند (به جای کارشکنی) زمینه درخواست و دعا و توجه انسان به خدا باشد. حتی یک زن مثل مریم می‌تواند مردی همچون زکریا(ع) را تحت تأثیر قرار دهد.

انسان می‌تواند از تلخ‌ترین تا شیرین‌ترین شرایط به نفع خود استفاده کند. لکن باید در این فرآیند صبر و بردباری الگوی رفتاری انسان باشد.

همان‌گونه که از انگور شیرین، سرکه ترش درست می‌کنند، می‌توان با صبر و شکیبایی از غوره ترش، حلوای شیرین درست کرد.

به هرحال، هر یک از زمان‌ها و مکان‌ها دارای ارزش خاصّی هستند؛ توبه در جوانی، محبوب‌تر از توبه پیران است.

انفاق در ناداری، محبوب‌تر از انفاق در ایام دارایی است.

عفو در زمان قدرت، صله رحم در زمانی که دیگران قطع رابطه کرده‌اند، کمک به افراد در حالات خاص، ارزش و پاداش خاصّی دارد.

در حدیث می‌خوانیم: «ضربة علیّ یوم خندق افضل من عبادة الثّقلین» ضربت علی در خندق برتر از عبادت جن و انس است. (بحارالانوار، ج ۳۹، ص ۱) چون روز خندق تمام کفر در مقابل تمام اسلام، صف‌آرایی کرده بود.

شب قدر بهتر است از هزار ماه است، ارزش آب در ظهر عاشورا قابل مقایسه با روز بعد نیست.

همه اینها نشانه آن است که فرصت‌های استثنایی، پاداش ویژه استثنایی دارد.

حضرت موسی(ع) همین که خواست معجزه‌اش را به ساحران نشان دهد، برای زمان اجرای آن، دو وقت معین کرد: یکی روز تعطیلی که مردم، نشاط و فراغت داشته باشند. «موعدکم یوم الزینة» «میعاد ما و شما روز زینت [روز عید] است» (طه ـ ۵۹) یکی زمان چاشت که هوا معتدل و مردم، بیدار و حضورشان راحت باشد. «و أن یحشرالنّاس ضحی» «به شرط اینکه همه مردم، هنگامی که روز، بالا می آید، جمع شوند!» (همان)

علاوه بر عنصر زمان، برای استقبال بیشتر مردم، معین شد که جای معجزه وسط شهر باشد تا دسترسی به آن برای همگان امکان‌پذیر باشد. «مکاناً سوی» «در مکانی که نسبت به همه یکسان باشد!» (طه ـ ۵۸)

بنابراین، هر یک از عناصر زمان و مکان در دعوت و عبادت و کمک به دیگران و توبه نقش مهمی دارد.

سلوک عارفانه

سالک جوان بهتر می‌تواند تهذیب نفس کند

(بدان ای سالک راه خدا!) شما جوان‌ها بهتر می‌توانید تهذیب نفس کنید، شما به ملکوت نزدیک‌تر هستید از پیرمردها. در شما آن ریشه‌های فساد کمتر است. رشدش کمتر است، آن طور رشد نکرده، هر روز بماند، رشدش زیادتر می‌شود. هر روز تأخیر بیندازید، مشکل‌تر می‌شود. یک پیر بخواهد اصلاح بشود، بسیار مشکل است. جوان زودتر اصلاح می‌شود. هزاران جوان اصلاح می‌شود. و یک پیر نمی‌شود. نگذارید برای ایام پیری، حالا که جوان هستید سیر (تکاملی) خودتان را بکنید، شروع کنید. الان خودتان را تبع تعلیمات انبیا کنید، مبدأ این است، از اینجا باید رفت. آنها راه را نشان داده‌اند، ما راه را نمی‌دانیم، آنها راه را می‌دانند، طبیبند و راه را می‌دانند. راه سلامت را می‌دانند، آنها راه سلامت را به ما گفته‌اند، می‌دانند، بخواهید سالم باشید، از آن راه باید بروید. باید از توجهاتی که به نفس هست. خودتان را کم‌کم خارج بکنید، البته مسأله‌ای نیست که به این زودی بشود، لکن کم‌کم خارج بکنید.[۱]

۱- تفسیر سوره حمد، امام خمینی(ره)، جلسه دوم، ص ۱۱۱

صفحه معارف روزهای: یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۴۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱

قاتل شیخ انصاری یا تاجر بازار

یکی از فرزندان مرحوم شیخ انصاری با واسطه نقل می‌کند، مردی روی قبر شیخ افتاده بود و با شدت گریه می‌کرد، وقتی علت گریه‌اش را پرسیدند، گفت جماعتی مرا وادار کردند تا شیخ را به قتل برسانم، من شمشیرم را برداشتم و نیمه شب رفتم منزل شیخ، وقتی وارد اطاق شدم، دیدم روی سجاده در حال نماز است، چون نشست من دستم را با شمشیر بلند کردم که بزنم، در همان حال دستم بی‌حرکت ماند و خودم هم قادر به حرکت نبودم، به همان حال ماندم تا او از نماز فارغ شد، بدون آنکه به طرف من برگردد گفت: خداوندا من چه کرده‌ام که فلان کس و فلان کس، اسم همه آن جماعت را برد، فلان شخص (اسم مرا برد) را فرستاده‌اند که مرا بکشد، خدایا من آنها را بخشیدم تو هم آنها را ببخش. آن وقت من التماس کردم و عرض کردم آقا مرا ببخشید.

فرمود: آهسته حرف بزن کسی نفهمد، برو به خانه‌ات ولی صبح به نزد من بیا. صبح شد، در فکر بودم بروم یا نروم و اگر نروم چه خواهد شد که بالاخره به خودم جرات داده و رفتم دیدم مردم در مسجد دور او را گرفته‌اند، رفتم جلو سلام کردم، مخفیانه کیسه‌ای پول به من داد و فرمود: برو با این پول کاسبی کن. من آن پول را آورده سرمایه خود قرار دادم و کاسبی کردم، از برکت آن پول امروز یکی از تجار بازارم و هر چه دارم از برکت صاحب این قبر دارم.

* از کتاب مردان علم در میدان عمل به نقل از حوزه نیوز

تاجردنیا و تاجر آخرت

روی عن رسول‌الله(ص) قال:«تَاجِرُ الدُّنیَا مُخَاطِرٌ بِنَفسِهِ وَ مَالِهِ وَ تَاجِرُ الآخِرَةِ غَانِمٌ رَابِحٌ وَ اَوّلُ رِبحِهِ نَفسُهُ ثُمَّ جَنَّةُ المَأوی.»[۱]

روایتی از پیغمبر اکرم(ص) منقول است که حضرت فرمودند:کسی که در دنیا، برای دنیای مادّی کاسبی می‌کند، خودش را در معرض دو خطر قرار می‌دهد، اوّل: جان خود را به خطر می‌اندازد. یعنی وقتی می‌خواهی کاسبی کنی، گاهی معاملاتت تو را به جهنّم می‌برد، رباکاری می‌کنی، مال مردم‌خوری می‌کنی، معصیت می‌کنی و به همین خاطر جهنّم می‌روی.

«وَ مَالِهِ»، مالَت را هم از دست می‌دهی. تجارت دنیایی این دو خطر را دارد.

هرکس از خانه برای کاسبی و امور دنیایی بیرون می‌رود، حواسش جمع باشد! هم برایش خطر جانی به این معنا که گفتم دارد و هم مالی.

اما مقابلش، تاجر آخرت؛ یعنی آن کسی که در مسیر اطاعت الهی است و به دنبال این است که آنچه خدا گفته را انجام دهد، این غنیمت بدست می‌آورد و سود می‌برد، «وَ تَاجِرُ الآخِرَةِ غَانِمٌ رَابِحٌ».

در ادامه حضرت سودش را می‌فرمایند. «اَوَّلُ رِبحِهِ نَفسُهُ»،اوّلین سودش جان تو است که آن را از هلاکت وجهنم نجات دهی. سود دوم: بهشت مأوا است که در قیامت برای خودت تهیّه کرده‌ای، «ثُمَّ جَنَّةُ المَأوی».

(۱) مجموعه ورام ج ۲ ص ۱۱۹

*پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله شیخ مجتبی تهرانی(ره)

راه «مستجاب‌الدعوه» شدن در ماه رجب

■ آیت‌الله ناصری

*** خوشا به حال کسی که مطیع و فرمانبردار حق باشد؛ آنچه که فرموده‌اند واجب است، به نفع ما و آنچه که فرموده‌اند حرام است، به ضرر ما است. پروردگار عالمیان تمام بندگانش را دوست دارد و او می‌داند که چه چیزی ایجاد کرده است در حالی که ما هنوز خود را نشناخته‌ایم و در روایات است کسی که خود را بشناسد خدا را خواهد شناخت.**

ماه رجب در میان ماه‌ها از بسیاری جهات، باشرافت و نمونه است؛ بزرگان فرموده‌اند زمان‌ها با هم مختلفند مانند مکان‌ها که با هم تفاوت دارند. بعضی مکان‌ها بر بعضی مکان‌های دیگر شرافت دارند. زمان‌ها هم همین طور. بعضی زمان‌ها بر بعضی زمان‌های دیگر شرافت دارند.

یکی از زمان‌هایی که شرافت فوق‌العاده‌ای دارد، ماه رجب است که ماه بسیار با عظمت و زمان شریفی بوده و بهار جِدّ و جهد برای تخلیه و تحلیه است یعنی حضرت حق کسانی که در این ماه اطاعت، عبادت، توبه و انابه کنند، یک فضیلت خاصی برایشان قرار می‌دهد که در سایر ماه‌ها این فضیلت وجود ندارد.

عظمت هر زمانی به واسطه عظمت اموری است که در آن زمان واقع شده است. لذا وقتی می‌گوئیم بعضی مکان‌ها به بعضی مکان‌های دیگر شرافت دارد به دلیل آن است که امری که در این مکان واقع شده، شرافت و عظمت دارد. مکه، مدینه، نجف، خراسان، قم و ... از این دسته هستند هر مقدار که امور عظیمه در یک زمان و زمین واقع شود، بر عظمت بیشتر آن زمان و مکان دلالت دارد. مانند نماز خواندن در مسجدالاحرام و مسجدالنبی، البته نماز خواندن در هیچ مکانی مانند آستان مقدس امیرالمؤمنین(ع) نمی‌شود که یک نماز ، ۲۰۰ برابر ثواب پیدا می‌کند، خوشا به حال اهالی نجف و این بیانگر شرافت این مکان است.

ندای فرشته «داعی» در ماه رجب

روایتی از نبی اکرم(ص) است که خداوند متعال دستور داده است به مَلَکی به نام«داعی» در ماه رجب که به آسمان اول بیاید، این مَلَک در تمام شب‌های ماه رجب از شب تا صبح فریاد می‌زند و می‌گوید: «طُوبَی لِلذّاکِرینَ و...»؛ سعادتمند کسی است که به یاد خدا باشد، سعادتمند کسی است که به یاد قبر و قیامت باشد. لذا ما هر چه بیشتر به یاد خدا باشیم رحمت الهی بیشتر شامل حال ما خواهد شد.

«طُوبَی لِلطّائِعینَ»، سعادتمند کسی است که اطاعت حق را بکند؛ خداوند متعال محتاج نیست بلکه او قادر است. وقتی حضرت حق، عالم وجود را آفرید در یک لحظه و در یک اراده جزئی میلیاردها انسان را خلق کرد، از این‌رو منفعت نماز و روزه عاید خود انسان می‌شود و برای خودمان خوب است و برای ما سعادت را به دنبال دارد، چرا که خداوند «غنیّ بالذات»، بوده و نیازی به نماز و روزه ما ندارد.

خوشا به حال کسی که مطیع و فرمانبردار حق باشد؛ آنچه که فرموده‌اند واجب است، به نفع ما و آنچه که فرموده‌اند حرام است، به ضرر ما است. پروردگار عالمیان تمام بندگانش را دوست دارد. «یُحِبُّهُمْ وَ یُحِبُّوْنَهُ»، رابطه خالق و مخلوق، صانع و مصنوع، و ... همگی را دوست دارد و او می‌داند که چه چیزی ایجاد کرده است در حالی که ما هنوز خود را نشناخته‌ایم و در روایات است کسی که خود را بشناسد خدا را خواهد شناخت.

آن ملک می‌فرماید: خداوند متعال می‌فرماید: ای فرزند آدم «أَنَا جَلِیسُ مَنْ جَالَسَنِی وَ مُطِیعُ مَنْ أَطَاعَنِی»، من همراه کسی هستم که به یاد من باشد. بنابراین خداوند در همه جا حضور دارد و می‌فرماید: هر کس مرا اطاعت کند، من هم مطیع او هستم.

کسانی که مستجاب‌الدعوه هستند چگونه به این مقام رسیده‌اند؟ انبیاء، اولیاء و ائمه چهارده معصوم علیهم‌السلام به کنار، بلکه بنده‌های عادی هم می‌توانند به درجه‌ای برسند که هر چه گفتند، خداوند خواسته آنها را اجابت کند اما در سایه رعایت دو نکته: انجام واجبات و ترک محرمات. کسی که این دو مطلب را نصب‌العین خویش قرار دهد، در زمره اولیای الهی قرار خواهد گرفت و در واقع او «مُطِیعُ مَنْ أَطَاعَنِی»، خواهد شد. چه تجارتی بالاتر از این، چه تکاملی برتر از این؟

از این‌رو خوب است که در ماه رجب اگر نماز قضا داریم آنها را به جا آوریم، اگر حق‌الناسی به گردن ما است آن را جبران کنیم. چرا که خداوند متعال در عظمت ماه رجب می‌فرماید: «الْعَبْدُ عَبْدِی وَ الرّحْمَةُ رَحْمَتِی» هر کس که در ماه رجب به در خانه من بیاید، مرا بخواند من حاجتش را می‌دهم و هر کس طلب هدایت کند، من او را هدایت خواهم کرد.

*** یکی از زمان‌هایی که شرافت فوق‌العاده‌ای دارد، ماه رجب است که ماه بسیار با عظمت و زمان شریفی بوده و بهار جِدّ و جهد برای تخلیه و تحلیه است یعنی حضرت حق کسانی که در این ماه اطاعت، عبادت، توبه و انابه کنند، یک فضیلت خاصی برایشان قرار می‌دهد که در سایر ماه‌ها این فضیلت وجود ندارد.**

از: فارس